

حسین علی‌علیه السلام قتل العبرات

داود حسینی *

چکیده

گریه و اشک، از حالات عاطفی انسان است که بیانگر غم، شادی، شوق و اندوه بر مصائب است. گریه وسیله ابراز عواطف انسان نسبت به افرادی است که آنان را دوست دارد. بیان این بعد از حالات انسان نسبت به امام حسین علی‌علیه السلام چنان با ارزش است که ایشان با صفت «قتیل العبره» مورد خطاب قرار گرفته اند. این تحقیق با روش توصیفی و تحلیلی در صدد پاسخ به این پرسش است که چرا امام حسین علی‌علیه السلام را «قتیل العبرات» می خوانند؟ آنچه از بررسی روایات وارده در این زمینه به دست آمده آن است که گریه ملائک الهی و انبیای عظام بر نام و مصائب ایشان پیش از ولادت حضرت، گریه جدش رسول خدا ﷺ و مادرش فاطمه زهرا علیها السلام و پدرش امیرالمؤمنین علی‌علیه السلام بر مظلومیت او پس از ولادت، و سفارش دیگر ائمه معصومین علیهم السلام بر گریه بر حسین علی‌علیه السلام پس از شهادت، سبب شده است که نام و یاد امام حسین علی‌علیه السلام با اشک و آه همراه باشد و صفت «قتیل العبره» در کنار سایر صفات زیبایی او قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: گریه، بکا، قتل العبره، امام حسین علی‌علیه السلام، کربلا.

Hosseini1343@gmail.com

*. مدیر گروه اخلاق و اسرار پژوهشکده حج و زیارت.



گریه حالتی است که از عواطف انسان سرچشمه می‌گیرد و می‌تواند نشانه شوق، حزن، خوف، خضوع و ندامت در انسان باشد. گریه مانند خنده، از نیازهای طبیعی انسان است و ریشه در خلقت و طبیعت او دارد. از این رو خداوند متعال این دو پدیده را مستقیماً به خود نسبت داده، می‌فرماید: ﴿وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى﴾؛ (نجم: ۴۳) «وهم اوست که می‌خنداند و می‌گریاند». این سخن بدان معناست که خداوند متعال در نظام تکوین، انسان را به گونه‌ای آفریده که می‌تواند شادی خود را با خنده، و اندوه و حتی شوق خود را با گریه ابراز کند. بنابراین انسان برای برخورداری از یک زندگی سالم و طبیعی، همان‌طور که به خنده نیاز دارد، نیازمند گریه است. گریه همان‌طور که یک حالت طبیعی است، می‌تواند برای بعضی از مشکلات روانی اثر درمانی هم داشته باشد؛ یعنی انسان می‌تواند با گریه تخلیه روانی کند و غصه‌ها و عقده‌های درونی‌اش را خالی کند. همچنین در برخی امور، برای گریه آثار دنیوی و اخروی متعددی بیان شده است. گریه انواعی دارد؛ از جمله:

۱. گریه از خوف خدا: ﴿وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا﴾؛ (اسراء: ۱۰۹) «آنها (بی‌اختیار) بر زمین می‌افتند و گریه می‌کنند و (تلاوت این آیات)، همواره بر خضوع آنان می‌افزاید.

۲. گریه به خاطر فراق بر عزیزان: ﴿وَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ يُوسُفَ وَأَبْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ﴾؛ (یوسف: ۸۴) «از آنها روی برگردانید و گفت: وا اسفا بر یوسف و چشمان او از حزن سفید شد؛ اما خشم خود را فرو می‌خورد».

۳. گریه شوق: گروهی از مؤمنان که از جانب پروردگار مورد لطف قرار گرفته و هدایت یافته‌اند، به شکرانه این رحمت الهی هنگامی که آیات الهی را می‌شنوند به سجده می‌افتند و گریه می‌کنند: ﴿إِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمٰنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَّبُكِيًا﴾؛ (مریم: ۵۸) «هنگامی که آیات خداوند رحمان بر آنان خوانده می‌شود به خاک می‌افتادند و گریه می‌کردند».

۴. گریه برخاسته از حزن و حسرت: هنگامی است که انسان در نتیجه از دست دادن یک موقعیت یا موفقیت دنیوی یا اخروی دچار حسرت می شود و براین محرومیت می گرید: ﴿الَّذِينَ إِذَا مَا اتُّوْكَ لِيَتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أُحْمِلُهُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَاعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ﴾ (توبه: ۹۲) «آنها که وقتی نزد تومی آیند که آنها را بر مرکبی [برای جهاد] سوار کنی، گفتی: مرکبی که شما را برآن سوار کنم ندارم، از نزد تو بازمی گردند؛ درحالی که چشمانشان از اندوه اشکبار بود؛ زیرا چیزی نداشتند که در راه خدا انفاق کنند.

۵. اشک بر مظلوم: انسان موجودی نوع دوست و مهرورز است که با مشاهده یا آگاه شدن از رنج و غم دیگران متأثر می شود و حتی اشک می ریزد. از مصادیق بارز این اشک، گریه بر مصائب اهل بیت علیهم السلام به ویژه مصائب امام حسین علیه السلام است. امام صادق علیه السلام می فرماید:

مَنْ ذَكَرَنَا أَوْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ دَمْعٌ مِثْلَ جَنَاحِ بَعُوضَةٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ
 ذُنُوبَهُ وَلَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ. (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۹۲)

کسی که از ما یاد کند یا نزد او از ما یاد شود و از چشمش مانند بال پشه اشک جاری گردد، خداوند گناهان او را می بخشد؛ اگرچه مانند کف روی آب دریا باشد.

ابهارون مکفوف می گوید که نزد امام صادق علیه السلام اشعاری در مصائب امام حسین علیه السلام خواندم حضرت سخت گریست و فرمود:

وَمَنْ ذُكِرَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ (عَيْنَيْهِ) مِنَ الدَّمْعِ مِقْدَارَ جَنَاحِ
 ذُبَابٍ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلَمْ يَرْضَ لَهُ بِدُونِ الْجَنَّةِ. (ابن قولویه،
 ۱۳۵۶ش، ص ۱۰۰)

کسی که نام حسین علیه السلام و [مصائب ایشان] را بشنود و از چشمانش به اندازه بال

مگس اشک جاری شود، پاداش او بر خداوند است و به کمتر از بهشت برای او راضی نمی شود.

امام سجاد علیه السلام نیز درباره آثار گریه بر خاندان عصمت و طهارت می فرماید:

مَنْ قَطَرَتْ عَيْنَاهُ فِينَا قَطْرَةً وَدَمَعَتْ عَيْنَاهُ فِينَا دَمْعَةً بَوَّأَهُ اللَّهُ بِهَا فِي الْجَنَّةِ غُرْفًا يَسْكُنُهَا. (همان، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۰۱)

کسی که چشمان او قطره ای برای ما بگرید و قطره ای اشک برای ما بریزد، خداوند او را در بهشت در غرفه هایی ساکن خواهد کرد.

از اوصافی که امام حسین علیه السلام با آن صفت در روایات و زیارت مورد خطاب قرار گرفته، «قتیل العبرة» به معنای «کشته اشک» است؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ علیه السلام أَنَا قَتِيلُ الْعُبْرَةِ لَا يَذْكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَعْبَرَ»؛ (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۴، ص ۴۲۲) «امام حسین علیه السلام فرمود: من کشته اشکم. مؤمنی از من یاد نمی کند مگر اینکه می گرید».

همچنین امام حسین علیه السلام فرمود:

أَنَا قَتِيلُ الْعُبْرَةِ قُتِلْتُ مَكْرُوبًا وَحَقِيقُ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَأْتِيَنِي مَكْرُوبٌ إِلَّا رَدَّهُ وَقَلْبُهُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا. (همانجا)

من کشته اشک هستم. در حالی که اندوهگین بودم کشته شدم و شایسته است بر خداوند که اندوهگینی نزد من نیاید مگر اینکه او را شادان به سوی اهلش بازمی گرداند.

امیرالمؤمنین علیه السلام نیز این صفت را درباره امام حسین علیه السلام به کار برده، می فرماید: «يَا عُبْرَةَ كُلِّ مُؤْمِنٍ»؛ (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۰۸) «ای اشک هر مؤمن».

در زیارت اربعین امام حسین علیه السلام این کلمه به صورت جمع (عبرات) به کار رفته است و چنین به حضرت سلام داده می شود: «السَّلَامُ عَلَى أَسِيرِ الْكُرْبَاتِ وَقَتِيلِ الْعَبْرَاتِ»؛

(طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۶، ص ۱۱۳) «سلام بر اسیر غم‌ها مصیبت‌ها و کشته اشک‌ها».

در زیارت اول ماه رجب و نیمه ماه شعبان که برای امام حسین علیه السلام نقل شده، این ویژگی نیز آمده است. «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ الرَّشِيدِ قَتِيلِ الْعَبْرَاتِ وَأَسِيرِ الْكُزْبَاتِ». خداوند! بر محمد و آل محمد درود فرست و درود بفرست بر حسین مظلوم، شهید هدایت یافته و کشته برای اشک‌ها و گرفتار بلاها و اندوه‌ها. (ابن طاووس، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۷۱۲)

ما در این مقاله موضوع گریه بر امام حسین علیه السلام و فلسفه انتساب «قتیل العبرة» به ایشان را بررسی می‌کنیم.

مفهوم شناسی

۱. مفهوم «بکاء»

از کلمه‌های پرکاربرد در معنای «اشک و گریه»، «بکاء» است. بکاء دارای دو ریشه است: یکی «بَکَى يَبْكِي بُكَاءً وَبُكَاءً» (ممدود و مقصور) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۴۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۸۲) به معنای گریه، و دیگری «بَكَوْ يَبْكُو بُكَاءً» (تنها ممدود) به معنای ناقص و کم بودن چیزی. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۸۵) «بَكَيْتُ الْمَيِّتَ» و «بَكَيْتُهُ» هر دو به معنای گریه کردن بر مرده، «أَبَكَيْتُهُ» به معنای گریاندن است. (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱۰، ص ۲۱۹؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۸۵) ابن سیده گفته «بِكَاهٍ»، هم به معنای گریه کردن و هم به معنای تحریک و دعوت کردن به گریه است. (ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۷، ص ۱۱۶) «تَبَاكِي» نیز خود را به زحمت به گریه آوردن است. (ابن اثیر، ۱۳۵۷ش، ج ۱، ص ۱۵۰) «بُكَاءٌ» به دو صورت ممدود و مقصور، و فعل آن «بَكَى، يَبْكِي» است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۴۱۷)

اگر گریه با صوت باشد با مد (بُكَاءٌ) آورده می‌شود و اگر قصر (بُكِي) آورده شود، مراد اشک و خارج شدن آن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۴۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق،

ج ۱۴، ص ۸۲) فیومی، (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۹) فراء و دیگران (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۸۲) و نیز راغب گفته‌اند: «فالبكاء بالمدّ، یعنی ریزش اشک در اثر حزن و مصیبت و نیز در وقتی که در اندوهی و غمی صدا و ناله بیشتر باشد؛ مثل رغاء بانگ شتر و ثغاء بانگ زائیدن گوسفند؛ اما اگر حزن و اندوه بیشتر از نالیدن باشد، بروزن «بکی» به قصر گفته می‌شود نه «بکاء» با حرف مد». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۴۱)

جمع «باکی»، «باکون» و «بُکِی» است؛ مانند: ﴿خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا﴾ (مریم: ۵۸) که در اصل «بُکِی» (بروزن فاعول مثل: ساجد و سجد، راکع و رکوع و قاعد و قعود) بوده، اما حرف «و» به حرف «ی» تبدیل، و پس از ادغام در حرف «ی» خود کلمه - مثل جاث و جثی (یعنی به زانو درآمده) عات و عتی (یعنی خم شده) - استعمال شده است.

۲. مفهوم «عبرة»

«العبرة» (به فتح عین و سکون باء) از ماده «ع ب ر»، در زبان عربی به معنای اشک، و جمع آن «عبرات» است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۵۳۲؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۱۷۸) گفته شده این واژه زمانی به کار برده می‌شود که اشک جاری شود، ولی صدای گریه بلند نشود (گریه بی صدا). بعضی دیگر گفته‌اند اشک پیش از جاری شدن را گویند. گروهی دیگر گریه در سینه یا حزن بدون گریه را گفته‌اند؛ ولی صحیح همان وجه اول است که اشک جاری شود ولی صدایی از فرد شنیده نشود. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۵۳۲؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۱۷۸)

فلسفه نامگذاری

درباره انتساب صفت «قتیل العبرة» به امام حسین علیه السلام، طبق روایتی خود حضرت این صفت را به خود نسبت داد و فرمود: «أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ لَا يَدْكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَعْبَرَ»؛ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۴۲۲) «من کشته اشک هستم. مؤمنی از من یاد نمی‌کند مگر اینکه می‌گیرد».

بحرانی در شرح این سخن امام حسین علیه السلام که فرمود «أنا قتيل العبرة»، گفته است: «یعنی کشته ای که منسوب به اشک و حزن است و [نام او] عامل اشک و حزن است و یا مراد این است که با اشک و حزن و بدی حال کشته شدم؛ ولی احتمال اول ظاهرتر است.» (بحرانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۷، ص ۵۳۷)

طریحی نیز می گوید: «معنای "أنا قتيل العبرة" این است که این مصیبت وقتی بر کسی ذکر شود، حالت حزن و اندوه در او ایجاد می شود و اشک او جاری می گردد» (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۳، ص ۳۹۳)

همچنین علامه مجلسی می نویسد: «قتيل العبرات یعنی کشته ای که اشک ها برای آن جاری می شود». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۸، ص ۳۵۵)

البته این معنایی است که از ظاهر متن و به حسب برخی از روایات به دست می آید؛ اما هیچ گونه حصری بر این معنا نیست و می توان معانی و تحلیل های دیگری نیز عرضه داشت که بسیار آموزنده و نشانگر شخصیت امام حسین علیه السلام، قیام او و آنچه ایشان خواهان آن بوده است، باشد. به همین جهت به معانی بسیاری که بین علما و عموم مردم رواج دارد نیز می توان استناد کرد و تا زمانی که آن معناها با این کلمات سازگار باشند و با دیگر عقاید منافات نداشته باشند، قابل پذیرش هستند.

اما همان طور که از ظاهر لفظ روایت استفاده می شود و بعضی از محققان مانند محقق بحرانی، طریحی و علامه مجلسی احتمال داده اند، ذکر نام امام حسین علیه السلام برای هر مؤمنی همراه با گریه و اشک است. در روایات معصومین علیهم السلام و منابع تاریخی این احتمال مؤیدات زیادی دارد که در ادامه به آنها اشاره می کنیم.

۱. گریه کنندگان بر حسین علیه السلام پیش از ولادتش

الف) گریه حضرت آدم و جبرئیل علیهما السلام بر امام حسین علیه السلام

علامه مجلسی از شیخ حافظ رجب بررسی در کتاب الدُّرِّ الثَّمِينِ، در تفسیر آیه شریفه

﴿فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ﴾ (بقره: ۳۷) روایت می‌کند:

حضرت آدم نام‌های پیامبر علیهم‌السلام و ائمه علیهم‌السلام را در ساق عرش مشاهده کرد. جبرئیل این اسم‌ها را براو تلقین کرد و فرمود: خداوند را به أسما خمسسه طیبه قسم بده.

فَلَمَّا ذَكَرَ الْحُسَيْنَ سَأَلَتْ دُمُوعُهُ وَانْخَشَعَ قَلْبُهُ وَقَالَ يَا أَخِي جَبْرَائِيلُ فِي ذِكْرِ
الْخَامِسِ يَنْكَسِرُ قَلْبِي وَتَسِيلُ عَجْرَتِي قَالَ جَبْرَائِيلُ وَلَدُكَ هَذَا يُصَابُ بِمُصِيبَةٍ
تَضَعُرُ عِنْدَهَا الْمَصَائِبُ فَقَالَ يَا أَخِي وَمَا هِيَ قَالَ يُقْتَلُ عَطْشَانًا غَرِيبًا وَجِدًا
فَرِيدًا لَيْسَ لَهُ نَاصِرٌ وَلَا مُعِينٌ وَلَوْ تَرَاهُ يَا آدَمُ وَهُوَ يَقُولُ وَاعْطِشَاهُ وَاقْلَهُ
نَاصِرَاهُ حَتَّى يَحُولَ الْعَطْشُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ السَّمَاءِ... فَبَكَى آدَمُ وَجَبْرَائِيلُ بُكَاءَ
التَّكْلِيفِ. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۲۴۵)

هنگامی که نام امام حسین علیه‌السلام را ذکر کرد، اشک‌هایش جاری، و قلبش خاشع شد و فرمود: برادرم جبرائیل در نام پنجم قلبم شکست و اشکم جاری گردید. جبرئیل فرمود: این فرزندت به مصیبت‌هایی مبتلا می‌شود که همه مصیبت‌ها نزد آنها کوچک است. حضرت آدم علیه‌السلام فرمود: آن مصائب کدامند؟ فرمود: او کشته می‌شود درحالی‌که تشنه، غریب، بی‌کس و تنهاست؛ هیچ کمک‌کننده و یاورى ندارد. ای آدم، اگر او را می‌دیدى ندایى داد وای از تشنگی! وای از کمی‌یاور. [تشنگی او چنان زیاد می‌شود] تا جایی که عطش بین او و آسمان مانع می‌شود... آدم و جبرئیل گریستند؛ مانند گریه مادر فرزند مرده.

ب) گریه حضرت نوح علیه‌السلام بر امام حسین علیه‌السلام

در برخی از روایات در بیان سرگذشت کشتی حضرت نوح علیه‌السلام آمده است:

زمانی که کشتی نوح به محل شهادت سید و سالار شهیدان علیه‌السلام رسید، کشتی بر اثر امواج طوفان به تلاطم افتاد. نوح علیه‌السلام از این حالت وحشت زده شد و احساس

کرد که کشتی در معرض غرق شدن است. پس به درگاه خدا استغاثه نمود و گفت: پروردگارا همه دنیا را سیر کردم، اما دلهره‌ای به مانند دلهره‌ای که در این سرزمین دردم ایجاد شد، به من دست نداد. جبرئیل علیه السلام نازل شد و به او فرمود: ای نوح، اینجا همان جایی است که حسین علیه السلام، سبط محمد صلی الله علیه و آله [خاتم انبیا] و پسر خاتم اوصیاء علیه السلام، کشته می‌شود. نوح علیه السلام پرسید: قاتل او کیست؟ جبرئیل علیه السلام پاسخ داد: قاتلش مردی لعین است در نظر اهل آسمان‌ها و زمین. سپس جریان کربلا را برای او بیان کرد. پس نوح علیه السلام و کشتی‌نشینان گریستند و بر قاتلش لعن فرستادند. (بحرانی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۰۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۲۴۳)

ج) گریه حضرت اسماعیل بن حزقیل علیه السلام بر امام حسین علیه السلام

بُرید بن معاویه عجلی می‌گوید:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله، اسماعیل که نامش در قرآن ذکر شده که خداوند درباره او می‌فرماید ﴿وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا﴾، (مریم: ۵۴) آیا مراد از او اسماعیل فرزند ابراهیم علیه السلام است؟ مردم گمان می‌کنند او اسماعیل فرزند ابراهیم علیه السلام است.» امام صادق علیه السلام فرمود: «این اسماعیل پیش از ابراهیم علیه السلام از دنیا رفته و ابراهیم علیه السلام حجت خدا و صاحب شریعت است.» عرض کردم: «اسماعیل به سوی چه کسانی فرستاده شد و او کیست؟» امام صادق علیه السلام فرمود: «او اسماعیل بن حزقیل نبی علیه السلام بود. خداوند او را به سوی قومش فرستاد؛ اما قومش او را تکذیب کردند و او را کشتند و صورتش را سلاخی کردند. پس خداوند به خاطر او بر آنان غضب کرد و ملک عذاب «اسطاطایل» را نزد او فرستاد و عرض کرد: ای اسماعیل، من فرشته عذاب هستم. خداوند من را نزد تو فرستاده است تا قومت را به انواع عذاب مجازات کنم. هرچه می‌خواهی بگو تا اطاعت کنم.»

اسماعیل فرمود: نیازی به عذاب نیست. خداوند وحی کرد: ای اسماعیل، خواسته تو چیست؟ [او گریست] و عرض کرد: پروردگارا، تو برای خودت از انسان‌ها پیمان ربوبیت گرفتی و برای محمد ﷺ پیمان نبوت و برای جانشینان او پیمان ولایت، و به بهترین خلقت خبر دادی از آنچه امتش از او با حسین بن علی علیه السلام می‌کنند. به حسین علیه السلام وعده دادی که او را به دنیا برگردانی تا از قاتلینش انتقام بگیرد. خواسته من از تو این است که من را به دنیا برگردانی تا انتقام آنچه با من کردند از آنها بگیرم؛ همان طور که حسین علیه السلام انتقام می‌گیرد. خداوند به اسماعیل بن حزقیل وعده داد که او با حسین علیه السلام بازمی‌گردد». (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۶۵)

د) گریه ابراهیم علیه السلام بر امام حسین علیه السلام

فضل بن شاذان از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام روایت می‌کند:

هنگامی که خداوند تبارک و تعالی به حضرت ابراهیم علیه السلام امر کرد به جای فرزندش، اسماعیل، قوچی که از جانب پروردگار فرود آمد قربانی کند، حضرت ابراهیم علیه السلام تمنا کرد ای کاش می‌شد اسماعیل را به دست خود قربانی می‌کرد و به قربانی گوسفند مأمور نمی‌شد تا بدین وسیله با قلبش آن چیزی را درک کند که به قلب آن پدری می‌رسد که عزیزترین فرزندش را به دست خود قربانی می‌کند و بدین جهت شایسته بالاترین درجات اهل ثواب بر مصیبت‌ها می‌شود. خداوند به حضرت ابراهیم علیه السلام وحی کرد: «ای ابراهیم، بهترین خلق من نزد تو کیست؟» حضرت ابراهیم علیه السلام پاسخ داد: «ای پروردگار من، هیچ خلقی نزد من از حبیبیت محمد ﷺ محبوب‌تر نیست». خداوند به او وحی کرد: «آیا او محبوب‌ترین خلق نزد توست یا خودت؟» عرض کرد: «او محبوب‌تر از خودم نزد من است». خداوند فرمود: «آیا فرزند او هم نزد تو از فرزندان محبوب‌تر است؟» عرض کرد: «بلکه فرزند او هم محبوب‌تر است». فرمود: «آیا کشته شدن

فرزند او ظالمانه به دست دشمنانش در قلب تو درآورد تراست یا کشته شدن فرزندت به دست خودت در راه اطاعت از من؟» عرض کرد: «پروردگار من، ذبح او به دست دشمنانش در قلب من زجر آور تراست». خداوند فرمود: «ای ابراهیم، عده ای که گمان می کنند از امت محمد ﷺ هستند، حسین علیه السلام فرزند محمد صلی الله علیه و آله را پس از ظلم و ستم به شهادت می رسانند؛ همان طور که گوسفند را ذبح می کنند و به سبب این جنایت مستحق خشم من می شوند.

حضرت ابراهیم علیه السلام بر این مصیبت بی تابی کرد و قلبش محزون شد و سخت گریست. خداوند به او وحی کرد: «ای ابراهیم، جزعت بر حسین علیه السلام و کشته شدنش را فدیة جزعت بر اسماعیل، فرزندت، قرار دادم اگر به دست خودت ذبح کرده بودی و برای تو بالاترین درجات اهل ثواب بر مصیبت ها را قرار دادم و این همان سخن پروردگار است که فرمود: «ما قربانی عظیمی را فدای او کردیم».^۱ (شیخ صدوق، ۱۳۶۲ ش، ج ۱، ص ۵۹؛ همو، ۱۳۷۸ ق، ج ۱، ص ۲۰۹)

ه) گریه حضرت موسی علیه السلام بر امام حسین علیه السلام

در روایتی آمده است:

هنگامی که حضرت موسی علیه السلام برای مناجات به کوه طور رفت، به پروردگار عالم عرض کرد: «ای خدای عالمیان، از تو درخواستی دارم؛ اگر چه می دانم پیش از سخن، به درخواست من آگاه هستی». خدای تعالی فرمود: «ای موسی، هر چه بخواهی به تو عطا خواهم کرد و آنچه اراده کنی به تو می رسانم». حضرت موسی علیه السلام عرض کرد: «فلانی، بنده اسرائیلی تو، مرتکب گناه شده و تقاضای عفو دارد». خدای تعالی فرمود: «ای موسی، هر کس از من طلب مغفرت کند او را می بخشم؛ مگر قاتل حسین علیه السلام را».

۱. ﴿وَقَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ﴾. (صافات، ۱۰۷)

حضرت موسیٰ علیه السلام عرض کرد: «پروردگارا حسین کیست؟» فرمود: «همان کسی که در کوه طور نام او را برای تو ذکر کردم». عرض کرد: «چه کسی او را می‌کشد؟» فرمود: «عده‌ای طغیانگراز دین خارج شده از امت جدش او را در سرزمین کربلا به قتل می‌رسانند».

پس موسیٰ علیه السلام گریست و عرض کرد: «پروردگارا، چه عذابی برای قاتلان او خواهد بود؟» فرمود: «ای موسی، عذابی که اهل آتش از آن به آتش استغاثه ببرند. رحمت من شامل آنها نخواهد شد و شفاعت جدش هم به آنان نخواهد رسید. اگر کرامت من نبود زمین آنها را در خود فرو می‌برد... ای موسی، برای بندگانم که از او تبعیت کنند، رحمت خود را نوشته‌ام. بدان کسی که بر او بگرید یا بگریاند یا تباکی بکند بدنش را بر آتش حرام کرده‌ام». (شیخ صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۴۷؛ ابن طاوس، بی‌تا، ص ۱۴۰-۱۴۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۳۰۸)

و) گریه حضرت زکریا علیه السلام بر امام حسین علیه السلام

شخصی از امام هادی علیه السلام از تأویل حروف مقطعه ﴿کَهِيعَص﴾ سؤال کرد. فرزند ایشان، امام حسن عسکری علیه السلام، در حالی که کودکی بود نزد پدر حضور داشت، در پاسخ آن مرد فرمود: این حروف از خبرهای غیبی است. خداوند بنده اش، زکریا، را بر آن آگاه کرد. سپس آن داستان را برای پیامبرش، محمد صلی الله علیه و آله و سلم، بیان کرد. آن خبر غیبی این بود:

أَنَّ زَكَرِيَّا سَأَلَ رَبَّهُ أَنْ يُعَلِّمَهُ أَسْمَاءَ الْخَمْسَةِ فَأَهْبَطَ عَلَيْهِ جَبْرَائِيلَ فَعَلَّمَهُ
 إِيَّاهَا فَكَانَ زَكَرِيَّا إِذَا ذَكَرَ مُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ سُرِّي
 عَنْهُ هُمَةٌ وَانْجَلَى كَرْبُهُ وَإِذَا ذَكَرَ الْحُسَيْنَ خَنَقَتْهُ الْعَبْرَةُ وَوَقَعَتْ عَلَيْهِ الْبَهْرَةُ.^۱
 فَقَالَ ذَاتَ يَوْمٍ يَا إِلَهِي مَا بَالِي إِذَا ذَكَرْتُ أَرْبِعًا مِنْهُمْ تَسَلَّيْتُ بِأَسْمَائِهِمْ مِنْ

۱. البهر: تتابع النفس وانقطاعه كما يحصل بعد الاعياء والعدو الشديد.

هُمُومِي وَإِذَا ذَكَرْتُ الْحُسَيْنَ تَدْمَعُ عَيْنِي وَتَثُورُ زُفْرَتِي فَأَنْبَأَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَنْ قِصَّتِهِ وَقَالَ ﴿كَهَيْعِص﴾ فَالْكَافُ اسْمٌ كَرِبَلَاءَ وَالْهَاءُ هَلَاكُ الْعِترَةِ وَالْيَاءُ يَزِيدُ وَهُوَ ظَالِمُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْعَيْنُ عَطَشُهُ وَالصَّادُ صَبْرُهُ . فَلَمَّا سَمِعَ ذَلِكَ زَكَرِيَّا لَمْ يُفَارِقْ مَسْجِدَهُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَمَنَعَ فِيهَا النَّاسَ مِنَ الدُّخُولِ عَلَيْهِ وَأَقْبَلَ عَلَى الْبُكَاءِ وَالنَّحِيبِ .

زکریا از خداوند درخواست کرد که اسماء خمسه را به او بیاموزد. پس جبرئیل بر او نازل شد و آن اسم‌ها را به وی آموزش داد. حضرت زکریا علیه السلام هرگاه نام محمد صلی الله علیه و آله و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را یاد می‌کرد اندوه از او برطرف، و سختی‌ها از او گشوده می‌شد؛ اما هنگامی که نام حسین علیه السلام را ذکر می‌کرد اشک از دیدگانش جاری، و اندوهگین می‌شد. روزی عرض کرد: «ای خدای من، مرا چه می‌شود هنگامی که نام چهار نفر از آنان را یاد می‌کنم از غم‌هایم تسلی پیدا می‌کنم؛ اما هنگامی که حسین علیه السلام را یاد کردم اشکم جاری می‌شود؟»

خداوند از داستان او خبر داد و فرمود: ﴿كَهَيْعِص﴾. کاف اشاره به اسم کربلا، هاء اشاره به هلاکت عترت، یاء اشاره به یزید، ظلم‌کننده بر حسین علیه السلام، عین اشاره به عطش، و صاد اشاره به صبر اوست. هنگامی که زکریا این داستان را شنید سه روز از سجده‌گاهش جدا نشد و از ورود مردم بر خود منع کرد و به گریه و زاری روی آورد. (شیخ صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۴۶۱)

ز گریه حضرت عیسی علیه السلام بر امام حسین علیه السلام

امام علی علیه السلام هنگام حرکت به سوی صفین، در سرزمین کربلا فرود آمد و فرمود:
... عیسی علیه السلام با حواریون به این سرزمین گذر کرد. آهوان را در این سرزمین جمع و در حال گریه دید. نشست و حواریون با او نشستند. عیسی علیه السلام گریست

و حواریون با او گریستند درحالی که نمی دانستند چرا عیسی عَلَيْهِ السَّلَام نشست و چرا گریه می کند. عرض کردند: «ای روح الله وای کلمه خدا، چه چیز شما را می گریاند؟» فرمود: «آیا می دانید این سرزمین کجاست؟» عرض کردند: «نه». فرمود: «اینجا سرزمینی است که فرزند رسول خدا احمد عَلَيْهِ السَّلَام و فرزند آزاده، طاهره بتول، شبیه مادرم، کشته می شود...».

سپس علی عَلَيْهِ السَّلَام با صوتی بلند فرمود:

يَا رَبِّ عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ لَا تُبَارِكْ فِي قَتْلَتِهِ وَالْمُعِينِ عَلَيْهِ وَالْخَائِلِ لَهُ.

ای خدای عیسی بن مریم، به کشندگان او و کمک کنندگان به دشمنان او و خوارکنندگان او برکت نده.

سپس حضرت به مدت طولانی گریه کرد تا اینکه با صورت به زمین خورد و به مدت طولانی از هوش رفت. (شیخ صدوق، ۱۳۷۶ ش، ص ۵۹۷-۶۰۰؛ همو، ۱۳۹۵ ق، ج ۲، ص ۵۳۴؛ حرعاملی، ۱۴۲۵ ق، ج ۱، ص ۲۰۹)

۲. گریه کنندگان بر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام پیش از شهادتش

الف) گریه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام

سعید بن جبیر از ابن عباس روایت می کند:

علی عَلَيْهِ السَّلَام به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عرض کرد: «یا رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، آیا شما عقیل را دوست دارید؟» رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «آری، به خدا من او را از دو جهت دوست دارم: یک بار به خاطر خود او و یک بار هم به خاطر محبت ابوطالب به او. هرآینه فرزند او در راه محبت فرزند تو کشته خواهد شد. اشک مؤمنان بر او جاری می شود و ملائکه مقرب بر او درود می فرستند». سپس رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گریست؛ به قدری که اشک هایش بر سینه اش جاری شد و فرمود: «به سوی خدا شکایت می برم از آنچه خاندانم با آن مواجه خواهد شد». (شیخ صدوق، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۲۷-۱۲۸)

اسماء بنت عمیس می‌گوید:

هنگامی که امام حسین علیه السلام به دنیا آمد، رسول خدا صلی الله علیه و آله تشریف آوردند و فرمودند: «ای اسماء، فرزندم را برایم بیاور». من امام حسین علیه السلام را در پارچه‌ای سفید پیچیدم و به حضرت تقدیم کردم. رسول خدا صلی الله علیه و آله همان کارهایی که برای امام حسن علیه السلام کرده بود، انجام داد و سپس گریست و فرمود: «در آینده برای تو داستانی خواهد بود. پروردگارا، قاتل او را لعن کن». سپس سفارش کرد فاطمه از این موضوع باخبر نشود.

اسماء می‌گوید روز هفتم ولادت امام حسین علیه السلام نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله تشریف آوردند و فرمودند: «فرزندم را بیاور». من امام حسین علیه السلام را به ایشان دادم.... رسول خدا صلی الله علیه و آله حسین علیه السلام را در دامان خود قرار داد و فرمود: «ای ابا عبدالله، سخت است بر من» و سپس گریست. (همان، ۱۳۷۶ ش، ص ۳۶۷)

ب) گریه رسول خدا صلی الله علیه و آله و اصحاب بر امام حسین علیه السلام

ابن عباس می‌گوید:

روزی با جمعی از اصحاب نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودیم؛ امام حسن، امام حسین، فاطمه و علی بن ابی طالب علیه السلام هر یک جداگانه وارد شدند. با ورود هر یک، رسول خدا صلی الله علیه و آله گریست و آنان را کنار خود جای داد. هنگامی که امام حسین علیه السلام وارد شد او را روی زانوی چپ خود نشانید و شدیداً گریه کرد و فرمود: «می‌بینم که به سرزمین قتلگاهش و محل شهادتش، سرزمین سختی و بلا و قتل و نابودی کوچ می‌کند و عده‌ای از مسلمانان او را یاری می‌کنند. آنان سروران امت من در روز قیامت هستند. مانند آن است که می‌بینم تیری به سوی او رها می‌شود و از اسب به زیر می‌افتد. سپس مظلومانه ذبح می‌شود؛ همان طور که گوسفند را ذبح می‌کنند. (ابن شاذان قمی، ۱۳۶۳ ش، مقدمه، ص ۱۱)

ج) گریه امیرالمؤمنین علیه السلام بر امام حسین علیه السلام

ابن عباس روایت می‌کند:

هنگام حرکت به سوی صفین با امیرالمؤمنین علیه السلام همراه بودم. زمانی که به نینوا، که شط الفرات است، فرود آمدیم، حضرت با صدای بلند فرمود: «ای ابن عباس، آیا این سرزمین را می‌شناسی؟» عرض کردم: «نمی‌شناسم یا امیرالمؤمنین». حضرت فرمود: «اگر آن را مانند من می‌شناختی، از آن نمی‌گذشتی تا اینکه مانند من بگریی». سپس مدتی گریست تا اینکه محاسنش ترشد و اشکش بر سینه‌اش جاری گردید و من هم با ایشان گریه کردم....

سپس حضرت طلب آب کرد و وضوگرفت و نماز خواند و باز هم سخنان قبل را تکرار کرد و لحظه‌ای به خواب رفت. ناگهان از خواب برخاست و فرمود: «ای ابن عباس، می‌خواهی خوابی را که دیدم برایت تعریف کنم؟» عرض کردم: «بله، یا امیرالمؤمنین». فرمود: «در عالم رؤیا گویا دیدم مردانی را که از آسمان فرود آمدند و با ایشان پرچم‌های سپیدی بود، درحالی که شمشیرهایشان که سپید و درخشان بود با خود حمائل کرده بودند، دورتادور این زمین را خطی کشیدند. پس از آن من دیدم گویا این درختان خرما شاخه‌های خود را به زمین می‌زدند و آن شاخه‌ها در خون تازه به حرکت درآمده، موج می‌زدند. و گویا حسینم را که کودک من و جوجه من و پاره گوشت من و مغز من است، مشاهده کردم که در آن خون‌ها غرق گشته است، استغاثه می‌کند و کسی به ندای وی پاسخ نمی‌گوید و آن مردان سپیدپوش از آسمان به زیر آمدند و حسینم را ندا می‌دادند: «شکیبا باشید ای آل رسول! به جهت آنکه شما به دست بدترین مردم کشته می‌شوید...». پس از رؤیت این داستان من به حال آمدم. همین طور که می‌نگری! سوگند به آنکه جان علی در دست قدرت اوست، رسول راستگو مرا به خروجم به سوی اهل بغی و عدوان خبر داده بود. و این است زمین کرب

وَبَلَا (غَصَّه و ابتلاء) که در آن حسین علیه السلام با هفده نفر مردانی که از پسران من و پسران فاطمه می باشند مدفون خواهند شد. این زمین در آسمان ها معروف و مذکور است به ارض کرب و بلا؛ همان گونه که بُقَعَتَيْنِ حرمین (مکه و مدینه) و بقعه بیت المقدس در آسمان ها مشهور و مذکور می باشد». (شیخ صدوق، ۱۳۷۶ ش، ص ۵۹۷-۶۰۰)

د) گریه فاطمه علیها السلام بر امام حسین علیه السلام

مرحوم مجلسی در بحار الانوار از آثار بعضی از مؤثقان زمان خود نقل می کند:

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر شهادت فرزندش، حسین علیه السلام، و مصائبی را که بر او خواهد رفت به دخترش فاطمه علیها السلام داد، فاطمه علیها السلام به شدت گریست و فرمود: «پدرجان، این مصیبت کی خواهد بود؟» رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «زمانی که من و تو و علی نخواهیم بود». گریه فاطمه علیها السلام شدت یافت و فرمود: «چه کسی بر او گریه می کند و چه کسی بر او اقامه عزا خواهد کرد؟» رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ای فاطمه، به درستی که زنان امتم بر زنان اهل بیتم گریه خواهند کرد و مردان آنها بر مردان اهل بیت من گریه می کنند و قرناً بعد قرن در هر سال تجدید عزامی کنند. هنگامی که قیامت برپا شود توازن زنان، و من از مردان شفاعت می کنم و هر کس بر مصیبت های حسین علیه السلام گریسته باشد دست او را می گیرم و داخل بهشت می کنم. ای فاطمه، هر چشمی روز قیامت گریان است، مگر چشمی که بر مصیبت های حسین علیه السلام گریسته باشد. این چشم خندان و شادان است، به خاطر نعمت بهشت». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۴؛ ص ۲۹۲)

ه) گریه امام حسن علیه السلام بر مصائب امام حسین علیه السلام

امام صادق علیه السلام از پدرش از جدش امام سجاد علیه السلام روایت می کند:

أَنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام دَخَلَ يَوْمًا إِلَى الْحَسَنِ علیه السلام فَلَمَّا نَظَرَ

إِلَيْهِ بَكَى فَقَالَ لَهُ مَا يُبْكِيكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ قَالَ أُنْكِي لِمَا يُصْنَعُ بِكَ فَقَالَ لَهُ
 الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ الَّذِي يُؤْتَى إِلَيَّ سَمٌّ يُدَسُّ إِلَيَّ فَأَقْتُلُ بِهِ وَلَكِنْ لَا يَوْمَ كَيَوْمِكَ
 يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَزْدَلِفُ إِلَيْكَ ثَلَاثُونَ أَلْفَ رَجُلٍ يَدْعُونَ أَنَّهُمْ مِنْ أُمَّةٍ جَدْنَا
 مُحَمَّدٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَيَنْتَحِلُونَ دِينَ الْإِسْلَامِ فَيَجْتَمِعُونَ عَلَى قَتْلِكَ وَسَفْكِ دَمِكَ وَأَنْتَ هَاكِ
 حُرْمَتِكَ وَسَبِي ذَرَارِيكَ وَنِسَائِكَ وَأَنْتَ هَابٌ ثَقَلَكُ فَعِنْدَهَا تَحِلُّ بَيْنِي أُمَّيَّةَ اللَّعْنَةِ
 وَتُمْطِرُ السَّمَاءَ رَمَادًا وَدَمًا وَيَبْكِي عَلَيْكَ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى الْوُحُوشُ فِي الْفَلَوَاتِ
 وَالْحَيْثَانُ فِي الْبِحَارِ (شيخ صدوق، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۱۵ - ۱۱۶)

امام حسین علیه السلام در ایام مسمومیت امام حسن علیه السلام برایشان وارد شد. هنگامی که
 چشمش به برادر افتاد، گریست. امام حسن علیه السلام فرمود: «چه چیزی باعث گریه
 شما شده است ای اباعبدالله؟» امام حسین علیه السلام فرمود: «گریه می‌کنم به خاطر
 آنچه بر شما رفته است». امام حسن علیه السلام فرمود: «آنچه من را مسموم کرده با
 دسیسه به من داده شده و به وسیله آن کشته خواهم شد؛ اما هیچ روزی مانند
 روز تو (عاشورا) نیست؛ سی هزار نفر به سوی تو هجوم می‌آورند و مدعی پیروی از
 امت جدمان، محمد صلی الله علیه و آله، و پیروان اسلام هستند، برقتل تو اجتماع می‌کنند تا
 تو را به قتل برسانند، خونت را بریزند، حرمتت را پایمال کنند، فرزندان و زنان
 را به اسیری ببرند و خیمه‌هایت را غارت کنند. در این زمان لعنت خداوند بر
 بنی امیه باد. آسمان سنگ و خون بر آنان ببارد. در آن روز همه چیز بر تو گریه
 می‌کنند؛ حتی حیوانات وحشی در بیابان‌ها و ماهیان دریاها».

نتیجه

از مجموعه روایاتی که درباره امام حسین علیه السلام و گریه برایشان وارد شده، به دست می‌آید
 فلسفه نامگذاری امام حسین علیه السلام به «قتیل العبرات» آن است که ذکر نام امام حسین علیه السلام
 همراه با اشک و سوز بوده است. هریک از انبیای الهی، حتی پیش از تولد حضرت،
 هنگامی که نام و مصائب او را شنیدند بر او گریستند و پس از تولدش هم نام و یاد او برای

جدش، رسول الله ﷺ، و پدرش، امیرالمؤمنین علیؑ و مادرش، فاطمه زهراؑ، محزون کننده و همراه با اشک بود و پس از شهادت ایشان هم هر مؤمنی با شنیدن نام و مصائب ایشان گریان و نالان می شود.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۵۷ق). *النهاية في غريب الحديث والاثر*، تحقیق محمد محمد طناحی و طاهر احمد زاوی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ چهارم.
۲. ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱ق). *المحکم و المحيط الأعظم*، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
۳. ابن شاذان (۱۳۶۳ش). *فضل بن شاذان، الفضائل*، قم، رضی.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۹ق). *إقبال الأعمال (ط القديمة)*، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ دوم.
۵. -----، (بی تا). *اللهوف علی قتلى الطفوف*، تهران، انتشارات جهان.
۶. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق). *معجم مقائیس اللغة*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول.
۷. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ش). *کامل الزیارات*، نجف اشرف، دارالمرتضویة، چاپ اول.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، چاپ سوم.
۹. ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق). *تهذیب اللغة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۱۰. بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله (۱۴۱۳ق). *عوامل العلوم والمعارف والأحوال من الآيات والأخبار والأقوال (مستدرک الإمام الحسین)*، قم، چاپ اول.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ق). *إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*، بیروت، اعلمی.
۱۲. ----- (۱۴۰۹ق). *وسائل الشيعة الى تفصيل مسائل الشريعة*، تصحیح مؤسسه آل البيتؑ، قم، مؤسسه آل البيتؑ، قم.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ قرآن*، بیروت، دارالقلم، چاپ اول.

۱۴. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۶ش). الأملی، تهران، کتابچی، چاپ ششم.
۱۵. ----- (۱۳۶۲ش). الخصال، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
۱۶. ----- (۱۳۷۸ق). عیون أخبار الرضا علیه السلام، تصحیح مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان.
۱۷. ----- (۱۳۹۵ق). کمال الدین و تمام النعمة، تهران، اسلامیه، چاپ دوم.
۱۸. ----- (۱۴۰۳ق). معانی الأخبار، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۹. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ش). مجمع البحرين و مطلع النیرین، تصحیح احمد حسینی اشکوری، تهران، مرتضوی.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق). تهذیب الاحکام، تحقیق حسن موسوی خراسان، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین، قم، نشر هجرت، چاپ دوم.
۲۲. فیومی، أحمد بن محمد (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم، چاپ دوم.
۲۳. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). تفسیر القمی، قم، چاپ سوم.
۲۴. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
۲۵. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس، تصحیح علی سیری، بیروت، دارالفکر.